

انواع برنامه ریزی

تنظیم و برگردان: مر-فراحی

مختلف، به ارگانهای تصمیم گیرنده میباشد. بعضی از راههای ارائه شده نسبت به سایر راههای مؤثرتر خواهد بود. در این مثال همانطور که اشاره گردید، هدف، تأمین هر چه بیشتر سلامتی کودکان از طریق مصرف شیر میباشد. در این خصوص به دو نظریه ممکن اشاره میکنیم:

نخست اینکه بمنظور تقویت و سلامتی کودکان بوسیله مصرف شیر، تقاضای شیر از طرف خانواده‌های صاحب کودک افزایش یابد. ثانیاً بمنظور جبران تقاضای شیر تدابیری در زمینه افزایش عرضه شیر اتخاذ گردد. ابتدا بینیم تدابیری که باعث افزایش تقاضای شیر میشوند کدامند:

۱- تدابیری که باعث افزایش تقاضای شیر میشوند: دولت بمنظور تأمین سلامتی کودکان یکی از راههای زیر را انتخاب میکند:

الف- دولت با تصویب قانونی، مبنی بر اینکه اگر مصرف شیر خانواده‌های دارای کودک کمتر از یک لیتر باشد، جریمه خواهند شد، تقاضا را افزایش میدهد.

ب- دولت به خانواده‌های دارای کودک، کمک‌هائی بکند. این کمکها از طریق سیاستهای مالیاتی امکان پذیر میباشد.

ج- توزیع کارتهای مخصوص شیر به خانواده‌های بچه‌دار از طریق فروشندگان محل بمنظور تأمین شیر آنها.

د- خرید شیر توسط دولت و توزیع آن به کودکان از طریق مدارس.

متناسب با تدابیر ذکر شده، تدابیری نیز در خصوص افزایش عرضه شیر لازم میباشد. در غیر اینصورت تعادل بین

قبلاً جوانب نامطلوب اقتصاد بازار آزاد را بررسی کردیم. این جوانب از طرف تمام صاحب نظران علم اقتصاد تأیید شده است. صرفنظر از عقاید اقتصاددانان فنتیک تقریباً هیچ دانشمند و عالم اقتصاد، حرکت و چرخش نیروهای بازار را بصورت کامل تأیید نکرده است. لذا اکثر اقتصاددانان معاصر، برنامه ریزی توسعه اقتصادی را توصیه و تأکید مینمایند. لکن این بدان معنی نیست که آنها تمام شکلهای برنامه ریزی و یا صرفاً برنامه ریزی متمرکز را پذیرفته اند. همانطور که در اقتصاد بازار آزاد بدون دخالت دولت میتوان توزیع منابع اقتصادی را بعهده نیروهای بازار واگذار نمود، و یا در مواقع استراتژیک دخالت دولت در امور اقتصادی توسط برنامه میتواند مفید واقع شود، بهمان دلیل میتوان مقدرات اقتصادی یک جامعه را بعهده برنامه واگذار کرده و یا برنامه و مکانیزم نیروهای بازار را بطور هماهنگ در جهت توزیع منابع اقتصادی هدایت نمود. لذا موضوع اصلی مورد بحث بین اقتصاددانان، مسئله نیاز و یا عدم نیاز به برنامه نمیشد. بلکه مسئله اینست که برنامه ریزی به چه نحو و با چه تکنیک هائی باید انجام گیرد. بخصوص با دخالت دولت آیا تضمینی برای حفظ نیروهای بازار وجود خواهد داشت و یا اینکه دولت جانشین نیروهای بازار خواهد شد؟ برای روشن شدن مسئله به ذکر یک مثال می پردازیم:

فرض کنیم دولت بمنظور تأمین سلامتی کودکان در سطح کشور تصمیم به ازدیاد تولید شیر بگیرد. اینکه تصمیم دولت منطقی است یا خیر، از وظیفه متخصصین و کارشناسان برنامه خارج میباشد. وظیفه کارشناسان برنامه ریزی مطالعه و بررسی راهها و شیوه‌های مختلف برنامه ریزی و گزارش آلترناتیوهای

عرضه و تقاضا بهم خواهد خورد.

۲- تدابیری در زمینه افزایش عرضه شیر:

دولت بمنظور عرضه شیر برای تغذیه کودکان و جلوگیری از تنگناهای موجود، یکی از تدابیر زیر را اتخاذ می کند:

الف- بمنظور افزایش تولید شیر کمبکهای اعتباری به تولید کنندگان میکند. چون همزمان با ازدیاد تولید شیر، تولید کنندگان نسبت به گذشته دارای درآمد اضافی خواهند شد، لذا تولیدشان را افزایش خواهند داد. این سیاست در صورتیکه با سیاست مربوط به تقاضای شیر هماهنگ شود، تولید یعنی عرضه شیر، و همچنین تقاضای آن افزایش خواهد یافت.

ب- دولت خود مستقیماً از طریق تأسیس مؤسسات دامداری و دامپروری اقدام به تولید شیر مینماید.

ج- دولت بمنظور ازدیاد تولید شیر از مجرای قانون اقدام مینماید. یعنی درصد ازدیاد تولید سالیانه را از طریق قانون اجباری مینماید.

تمام این تدابیر شکل‌های مختلف برنامه ریزی در زمینه افزایش تولید شیر میباشند. بدون تردید یک کارشناس و متخصص برنامه ریزی در آماده کردن برنامه ازدیاد تولید شیر بعضی از شقوق را میپذیرد و بعضی را رد میکند. از لحاظ فنون و تکنیکهای برنامه ریزی تفاوت اساسی بین شقوق قابل قبول و قابل رد را باید در نتایج بدست آمده ناشی از روشهای بکار برده شده بررسی نمود. بعضی از تدابیر به اعتبار تکیه گاه فلسفی شان به عواملی از قبیل تشویق، اقناع و بعضی دیگر به دستور و اجبار متکی میباشند. بنابراین برنامه ها براساس ابزار مورد استفاده شان در این زمینه به برنامه ریزی تشویقی و یا ارشادی و برنامه ریزی دستوری (امپراتیف) تقسیم میشوند. چنانچه در خصوص کاهش دادن قیمت شیر بمنظور تولید ازدیاد شیر، از شیوه های تشویقی استفاده میگردد، و یا کمکهای اعتباری و مالی به تولید کنندگان شیر نیز شیوه ای از

برنامه ریزی تشویقی بشمار میرود. شیوه های مورد استفاده در دو مثال مذکور، شیوه برنامه ریزی غیر متمرکز نام دارد. حال اگر ازدیاد تولید شیر و عرضه آن طبق دستور انجام گیرد، به این نوع روش برنامه ریزی دستوری و یا متمرکز گویند.

اگرچه در دوران معاصر اکثریت طرفداران از برنامه و برنامه ریزی مینمایند، لکن در خصوص انتخاب دو شیوه یاد شده بین اقتصاددانان وحدت نظر مشاهده نمیشود. چون برنامه دستوری (امپراتیف) در اقتصادهای جوامع سوسیالیستی اجرا میگردد، همانطور که گفتیم به آن برنامه متمرکز نیز گفته میشود. در مقابل در اقتصادهای سرمایه داری برنامه تشویقی و یا ارشادی و یا غیر متمرکز رواج دارد. علت اینکه چرا در اقتصادهای سرمایه داری، برنامه متمرکز تطبیق و اجرا نمیکردد، ما را به مطالعه و بررسی محذورات برنامه ریزی متمرکز سوق میدهد:

محذورات برنامه ریزی متمرکز

همانطور که در اقتصاد بازار آزاد دخالت دولت در امور اقتصادی مردود شمرده میشود در برنامه ریزی متمرکز نیز دکرترین خاصی وجود ندارد، و بدلائل مختلف رغبتی هم به اثبات موضوع در چهارچوب یک تحلیل اقتصادی، از سوی اقتصاددانان سوسیالیست نشان داده نشده است.

۱- برنامه ریزی متمرکز نمیتواند با میزان مصرف جامعه مطابقت داشته باشد:

برنامه ریزی متمرکز در صورتی با میزان مصرف میتواند هماهنگ و منطبق شود که دولت از چگونگی و محل مصرف جامعه آگاه باشد. بدون تردید دولت حوزه های مصرفی ناشی از درآمدهای خود را بهتر از اشخاص میشناسد. در صورتیکه هزینه های شخصی و خصوصی آنطور نمیباشد. زیرا اکثر اشخاص، علاقه مند به کانالهای مصرفی ناشی از درآمد خود میباشند و میخواهند نسبت به مصرف خود آزادانه تصمیم

بگیرند. لذا جز در مواقع فوق العاده و استثنائی از دریافت دستمزدهای غیرنقدی امتناع میورزند. بنابراین باید سیستم تأمین و پرداخت دستمزدهای نقدی رواج داشته باشد.

در صورت دسترسی افراد به پول نقد، بازار مصرف کننده نیز باید دایر گردد. این مسئله در سیستمهای برنامه‌ای متمرکز ایجاد محدودیت نموده و در نتیجه برنامه‌ریزان را ملزم به ارزیابی بازار مصرف کننده میسازد. چنانچه اکثر منابع اقتصادی در جهت سرمایه‌گذاری اختصاص داده شود، و در بازار مصرف بین فعالیتهای تولیدی تعادل برقرار نباشد، کمبود عمومی یا لااقل کمبود نسبی، جامعه را به مخاطره خواهد انداخت. بدین جهت در هر اقتصاد که آزادی در زمینه انتخاب در مصرف حاکم باشد تولید به تناسب تقاضای جامعه انجام خواهد گرفت. لذا دولت با عامل توزیع درآمد، تقاضا را نیز برنامه‌ریزی خواهد کرد.

لکن دولت اگر از طریق توزیع درآمد، تقاضای جامعه را پیش‌بینی نماید، بخش تولید، تا زمانی که مصرف کنندگان در انتخاب کالای خود آزادانه تصمیم میگیرند، نخواهد توانست خود را از فشارهای بزرگ رها سازد.

۲- برنامه‌ریزی متمرکز با آزادی کار و مشاغل منافات دارد:

کارگران، طرفدار انتخاب نوع کار بصورت آزاد میباشند. باین معنی که اشخاص در هر نوع از سیستم اقتصادی طرفدار بازار آزاد مصرف و همچنین طالب یک بازار آزاد کار خواهند بود. استفاده از نیروی کار بدون اتلاف اقتصادی در حوزه‌های مربوطه بشکل معقول، میبایست در چهارچوب برنامه‌ریزی متمرکز تحقق یابد. این به معنی آنست که در برنامه‌ریزی متمرکز محدودیتهای قابل توجهی در زمینه کارها و مشاغل وجود دارند. زیرا بکارگیری نیروی کار در این سیستم از برنامه‌ریزی محکوم به عدم موفقیت خواهد بود. بدین ترتیب حتی اگر در برنامه‌ریزی متمرکز نیز بازارهای مصرف و کار بوجود آیند، از

نقطه نظر مدیریت، با مسئله ایجاد تعادل بین بازارهای سرمایه و کالا روبرو خواهیم بود. بدین لحاظ هر مؤسسه تولیدی هر چه تولید نماید میبایست آنرا بفروش برساند، و از طریق سیاستهای تشویقی خواهد توانست نیروی کار لازم را جذب نماید. در این موقعیت یک مسئله مطرح است و آن اینکه آیا مدیران مؤسسات بمنظور ایجاد تعادل بین بازارهای سرمایه و کالا میتوانند نسبت به تصمیمات خود انعطاف نشان دهند؟ در صورتیکه در تصمیمات خود انعطاف نداشته باشند، کمالهائی براساس منابع اقتصادی که در اختیارشان قرار گرفته تولید خواهند نمود. در سیستم بازار آزاد از نقطه نظر برنامه‌ریزی دست مدیران مؤسسات تولیدی در انتخاب روشهای تولید باز میباشد. در سایه این آزادی انتخاب، مدیران امکان تنظیم شرایط بازار را براساس عرضه و تقاضا خواهند داشت. برعکس در برنامه‌ریزی متمرکز مدیران مؤسسات تحقق انتخاب روشها و تکنیکهای مربوط به تولید را نخواهند داشت.

۳- نتایج دستورات مقامات و برنامه‌ریزان مرکزی به مدیران واحدهای تولیدی قابل پیش‌بینی نمیباشد:

امروزه زندگی اقتصادی بشکل پیچیده‌ای درآمده است. در مواقعی که در برنامه‌ریزی اقتصادی تصمیم به افزایش تولید ساعت گرفته میشود، در رابطه با افزایش تولید ساعت باید افزایش تولید لوازم و قطعات ساعت نیز در نظر گرفته شود. زیرا هیچکس نمیتواند قطعات مربوط به ساعت را به تنهایی تولید نماید. بدلیل این پیچیدگی زندگی اقتصادی در برنامه‌ریزی متمرکز کشورها مدام با عدم موفقیت در طرحها روبرو میگردند. در این موارد برنامه‌ریزی غیر متمرکز بدلیل وجود اصول رقابت و مکانیزم قیمت، بصورت صحیح‌تر تنظیم میگردد و تعادل بازار توسط جریان پول و کالا بطور اتوماتیک ایجاد میگردد.

۴- برنامه‌ریزی متمرکز غیر قابل انعطاف میباشد:

برنامه‌ریزان اقتصادهای برنامه‌ای در مواقع آماده ساختن

برنامه، محاسبات زیادی انجام میدهند، و در نتیجه این محاسبات است که برنامه بوجود میآید. در مراحل اجرای برنامه، در صورتیکه نیاز به اصلاح اشتباهات و خطاهای ارقام احساس گردد و یا تغییراتی در روش هریک از واحدها ایجاد نماید، واکنشهای شدیدی بوجود خواهد آمد. زیرا تغییر در قسمتی از برنامه، تغییراتی در کل برنامه ایجاد مینماید، در صورتیکه در برنامه ریزی غیر متمرکز مکانیزم قیمت بخودی خود تابع تغییرات روزمره میباشد. جریان پول در اقتصاد هر روز قابل تغییر است، همزمان با جریان پول، قیمتها و میزان تولید نیز تغییر میکنند. لذا بدلائل مذکور برنامه ریزی متمرکز قابل انعطاف نمیشود.

۵- در برنامه ریزی متمرکز تطبیق بطور کامل انجام نمیگیرد:

هنگامی که برنامه آماده میگردد، اگر محاسبات بطور دقیق و صحیح هم انجام گرفته باشد، امکان تغییرات پیش بینی نشده در برنامه ریزی وجود خواهد داشت. مثلاً بمنظور تهیه و تأمین انرژی حرارتی برای شرکت (الف)، میتوان اجازه خرید زغال سنگ را اخذ نمود. لکن اگر وقفه ای در کوره های زغال سنگ پیش آید، و یا شرایط جوی نامناسب باشد، شرکت مذکور نخواهد توانست زغال سنگ در نظر گرفته شده را تهیه نماید. در این موقعیت میتوان از مواد نفتی استفاده نمود. لکن تهیه و تأمین مواد نفتی بمنزله سرمایه گذاری شرکت تلقی میگردد. زیرا در برنامه ریزی متمرکز مواد نفتی جهت سایر شرکتهای و مؤسسات اختصاص یافته است. در این موقعیت یا باید دستور به تعطیل شرکت داده شود، و یا اینکه میزان نیاز شرکت، از سهمیه شرکت دیگر که نیاز مبرم به مواد نفتی ندارد، تأمین گردد. تغییر برنامه ریزی پیش بینی شده در زمینه تخصیص منابع، بعلت تغییر شرایط جدید آسان نمیشود. بدین لحاظ نمیتوان بطور پیوسته به این کار توسل جست. در برنامه ریزی متمرکز مدام با این مسائل برخورد میگردد. لذا در

این اقتصادها اکثراً اجرای برنامه از اهداف پیش بینی شده فاصله دارد. بنابراین در برنامه ریزیهای متمرکز پیش بینی، ذخائر مناسبی در زمینه تولید انجام بگیرد، وقفه در روند تولید ایجاد نخواهد شد و اجرای برنامه دوش بدوش اهداف آن پیش خواهد رفت. اصولاً این قاعده عمومیت دارد یعنی در خصوص تمام سیستمهای اقتصادی که با شیوه های مختلف برنامه ریزی سروکار دارند، کاربرد خواهد داشت. دلیل عمده ای که اقتصادهای برنامه ای با کمبود مواجه میگردد، فراموشی برنامه ریزان و عدم توجه به اصل یاد شده میباشد. لذا همانطور که ذکر گردید، تطبیق برنامه با طرح و اجرای آن هماهنگی نخواهد داشت. البته این نقیصه نباید در ساختار برنامه ریزی متمرکز جستجو گردد.

۶- در برنامه ریزی متمرکز استاندارد در حد افراط وجود دارد:

علاوه بر عدم انعطاف و مسائل و مشکلات ناشی از اشتباهات و خطاهای موجود در برنامه ریزی متمرکز، بر روی مسئله استاندارد نیز زیاد تکیه شده است. و این مسئله نیز یکی از مهمترین محذورات برنامه ریزی متمرکز به حساب میآید. به این ترتیب که مثلاً در این نوع برنامه ریزی، تولید یک نوع ساعت پیش بینی شده و نباید در تولید قطعات یدکی ساعت وقفه ایجاد گردد. زیرا تأخیر در تولید قطعات ساعت، اجرای برنامه، از اهداف برنامه فاصله خواهد گرفت. در صورتیکه در اقتصاد بازار آزاد (در برنامه ریزی غیر متمرکز) عامل مکانیزم قیمت، مانع از ایجاد تنگناهای مذکور میگردد. در برنامه ریزی متمرکز بدلیل جایگزین شدن مفاهیمی از قبیل محاسبات برنامه، پیش بینی های برنامه و تخصیص مجدد منابع به جای اصول تنظیم کننده اتوماتیک (قیمت، رقابت، سود، و غیره) که در برنامه ریزی غیر متمرکز جریان دارند، هرگاه تصمیم به تولید یک نوع ساعت گرفته شود، موانع و مشکلاتی که پیش میآیند، بشکل تصاعد هندسی افزایش خواهند یافت.

بدین لحاظ برنامه ریزان جوامع مورد بحث از سیستم استاندارد طرفداری مینمایند. در اقتصاد بازار آزاد استاندارد بمعنی تولید کالا با کیفیت خاص که خود مبین پیشرفت اقتصاد میباشد، تلقی میگردد. لکن زیاده روی در امر استاندارد موقعیت بازرگانی خارجی را به مخاطره خواهد انداخت. بویژه این مسئله در خصوص کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان، هلند و غیره که در تجارت خارجی پیشرفته میباشند کمال اهمیت را خواهد داشت. زیرا از آنجا که بخش تجارت خارجی در کشورهای مذکور بسیار وسیع میباشد، و درآمد عمده این کشورها از طریق بازرگانی خارجی تأمین میگردد، لذا کالاهای معین را بشکل استاندارد بصورت انبوه تولید و صادر مینمایند. لکن تولید یک کالا بشکل استاندارد سبب میشود که، آن کالا از سوی تولید کنندگان بسیاری تولید و بازارهای جهانی سوق داده شود. بنابراین اقتصادهایی که بخش بازرگانی خارجی و امور تجارت در آنها وسعت و گسترش یافته است، بمنظور تداوم روند بازرگانی خارجی و پاسخ به نیازهای مصرف کنندگان میبایست کالاهای جدیدی تولید و بازارهای بین المللی سوق دهند، لذا در اینگونه اقتصادها بخش بازرگانی خارجی میبایست خارج از چهارچوب برنامه ریزی متمرکز سازمان داده شود. زیرا ترجیحات مصرف کنندگان پیشرفتهای فنی و تکنولوژیکی، واکنش ترجیح مصرف کنندگان بر روی پیشرفتهای مذکور در برنامه ریزی متمرکز پیش بینی نمیگردد. بدین لحاظ آزادی فعالیتهای اقتصادی ایجاد زمینه پیشرفت در خصوص افکار و تکنولوژی و توسعه آن، بدون کنترل دولت و خارج از چهارچوب بوروکراسی و تجربه بصورت آزاد، از اصول اساسی روابط بازرگانی خارجی بحساب میآید. اگر در برنامه ریزی به هر شکل و صورت اصول مذکور خدشه دار گردد و محدودیتهائی بوجود آید، آن برنامه برای اقتصاد آن کشور زیان بار خواهد بود.

۷- برنامه ریزی متمرکز هزینه بردار میباشد:

بمنظور برطرف نمودن مسائل و مشکلات ذکر شده در اقتصادهای برنامه ای، تدابیر مختلفی اتخاذ گردیده است. لکن این تدابیر بار مالی گرانی برای دولتها بوجود آورده است. در برنامه ریزی مقدم بر هر چیز، نیاز به اطلاعات صحیح، آمار مورد اطمینان، و کارشناسان ورزیده و باتجربه اطلاعات و آمار میباشد. برنامه ریزی ایده آل با تعداد کارشناسان متخصص و ورزیده متناسب خواهد بود. چنانچه عدّه کارشناسان متخصص آمار و اقتصاد اتحاد شوروی که برای سازمان برنامه، اطلاعات تهیه میکنند به ۸۰۰ هزار نفر میرسد. در صورتیکه میتوان این افراد را در سیستم اقتصاد بازار آزاد در حوزه های مختلف بکار گرفت. با وجود این، در اقتصادهای سرمایه داری، افرادی که مستقیماً در حوزه تولید فعالیت نداشته، در بخش های مربوط به کسب و افزایش سود بشکیل سپاهی از انسانها (در قسمت های تبلیغات و دفاتر مشابه) فعالیت مشغول میباشند.

۸- سیستم کنترل در برنامه ریزی متمرکز ضعیف میباشد:

در برنامه ریزی متمرکز اهداف، ابزار تولید، منابع و امکانات مالی قابل تخصیص در بخشها، و تدابیر و سیاستهای اتخاذ شده، با قالبهای واقعی مطابقت ندارند. در عین حال در این نوع برنامه ریزیها، روابط بین بخشها بر مبنای پیوندهای ارگانیک بررسی میگردد. بدین لحاظ مردم، دولت و مجلس نمیتوانند در این زمینه ها دخالت و نفوذ داشته باشند. افرادی که در حوزه برنامه ریزی فعالیت میکنند و هزاران بعد مختلف برنامه را در اختیار دارند، تکنیسین های برنامه ریز میباشند. برای آماده کردن برنامه به هزارها تصمیم، دستور و موافقت نیاز میباشد. دولت و مجلس در زمینه برنامه ریزی حداقل اطلاعات را در اختیار دارند. لذا در کشورهایی که برنامه ریزی متمرکز اعمال میگردد، خدمات اجتماعی نمیتواند بنحو احسن پیاده گردد در صورتیکه خدمات اجتماعی بشکل مستمر و منظم لازم و

- الگوی مطالعات و برنامه ریزی. سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی. پائیز ۱۳۶۶.
- ۴۶- نشریه داخلی بانک ملی ایران. ن.ش. ۳-۱۳۶۶.
- ۴۷- اخبار و گزارشات اقتصادی. شماره ۳۵. مورخ ۶۶/۹/۳۰. سفارت جمهوری اسلامی ایران. بن.
- ۴۸- برنامه کلان دهساله صنعت نفت. ۷۶-۱۳۶۷. شرکت ملی نفت ایران.
- ۴۹- خط مشی بیست ساله آینده زندگی عشایر. نخست وزیری. شهریور ۱۳۶۶.
- ۵۰- کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. آموزش و پرورش. آذر ۱۳۶۶.

1. *Monthly Commodity Price Bulletin. Vol. VII, No.10-11. 1987. UNCTAD.*
2. *BMWI; The Foreign Trade and Payments Situation and the Competitiveness of the German Economy.*
3. *The Economic Situation in the Federal Republic of Germany. Monthly Review. September 1987.*
4. *Bulletin of Labour Statistics. 1987-4.*

بقیه از صفحه ۴۲

ضروری می باشد. مشاهده میشود که در برنامه ریزی متمرکز سیستم کنترل در معیار فعالیتهای اقتصادی بسیار ضعیف می باشد. در یک کشور اگر دولت در چهارچوب برنامه ریزی متمرکز سیاستی اتخاذ نماید، چون مردم اجازه کنترل، دخالت و نظارت بر اجرای آنها ندارند. دولت نیز بصورت جدی نسبت به کنترل بر فعالیتهای خود موفقیت بدست نخواهد آورد. زیرا کسانی که خود را تحت کنترل قرار دهند (اعم از اشخاص و ارگانها) بر روی نقاط ضعف خود پوشش خواهند گذاشت.

- ۲۹- نفت و اقتصاد. شماره های ۸۵ و ۸۴.
- ۳۰- گزیده مسائل اقتصادی- اجتماعی. شماره ۷۱ مورخ ۶۶/۹/۳۰.
- ۳۱- طرح انتقال صنایع، سلطان مراد سلطانیان. وزارت کار و امور اجتماعی.
- ۳۲- تازه های آمار، مرکز آمار ایران. شماره ۷. شهریور ۱۳۶۶.
- ۳۳- نتایج سرشماری از مرغ مادر. مرکز آمار ایران. مهرماه ۱۳۶۶.
- ۳۴- زیتون، مجله علمی- تخصصی وزارت کشاورزی. شماره ۷۴. مهر، آبان، آذرماه ۱۳۶۶.
- ۳۵- نشریه قرض الحسنه، سازمان اقتصاد اسلامی ایران. شماره ۱۰، آبان ماه ۱۳۶۶.
- ۳۶- فهرست وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی. سازمان امور اداری و استخدامی کشور شماره ۱۱ دیماه ۶۶.
- ۳۷- اطلاعات سیاسی- اقتصادی. آبان و آذرماه ۱۳۶۶.
- ۳۸- کارنامه پژوهشی دانشگاه شیراز. سال ۱۳۶۵.
- ۳۹- کارنامه مرکز نشر دانشگاهی شیراز. ۶۵-۱۳۶۲.
- ۴۰- جنگ افزارهای شیمیائی و بیولوژیک. ویژگیها، صدمات بهداشتی، درمان. دانشگاه شیراز بهمن ۱۳۶۵.
- ۴۱- پدافند شیمیائی، شناخت، عوارض و خنثی سازی مواد شیمیائی جنگی. تألیف دکتر علی اکبر مشفق. دانشگاه شیراز. آذر ۱۳۶۵.
- ۴۲- مقدمه ای بر درمان صدمات مغزی در جنگ. تألیف دکتر بیژن اعرابی. دانشگاه شیراز آذرماه ۱۳۶۶.
- ۴۳- مجله علوم اجتماعی و انسانی. دانشگاه شیراز. شماره اول و دوم. پائیز ۶۵ و بهار ۶۶.
- ۴۴- ماهنامه بررسیهای بازرگانی. شماره ۸. دیماه ۶۶ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۴۵- طرح جامع توسعه اقتصادی- اجتماعی استان مرکزی،